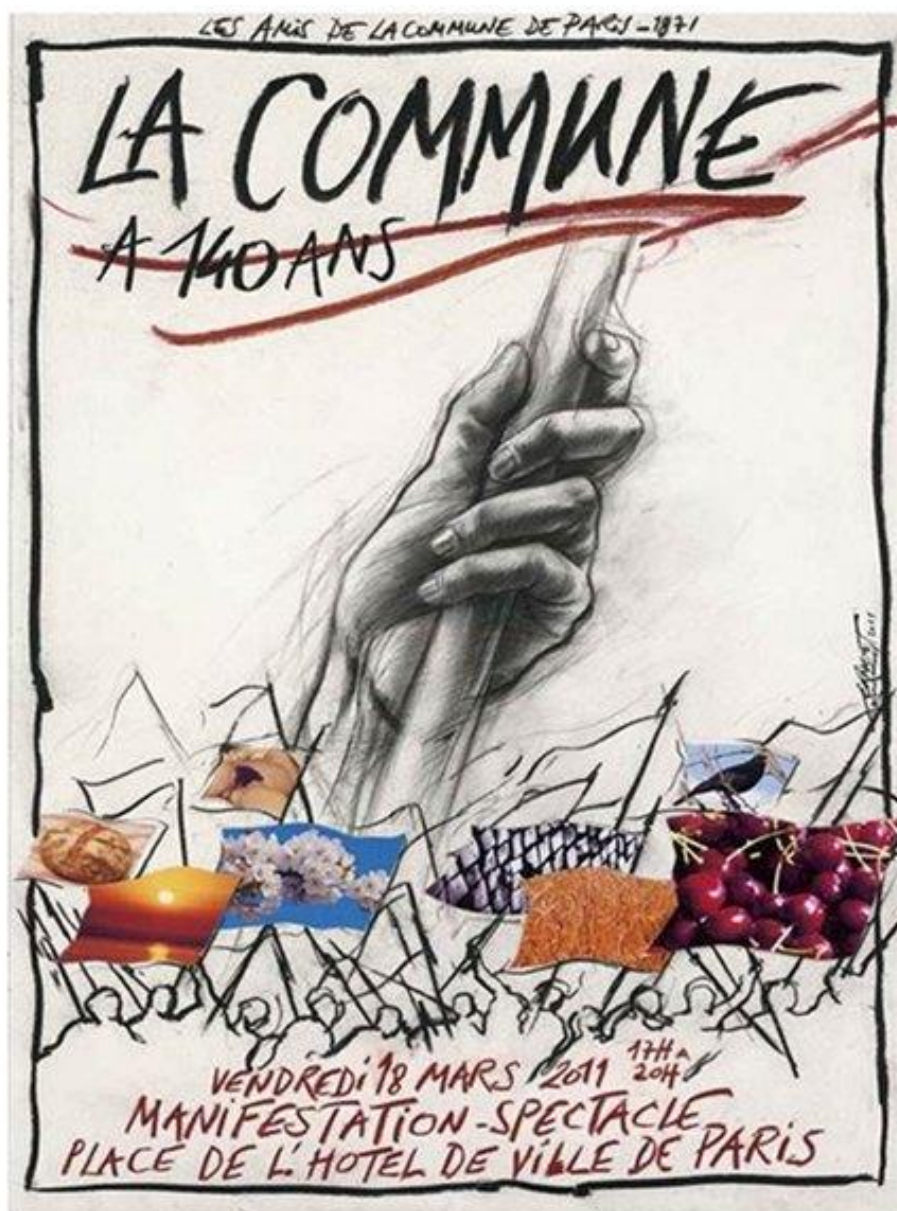


صد و چهلیمین سال حماسه کمون پاریس

1871-2011

پنجشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۰ - ۰۲ ژوئن ۲۰۱۱

شهزاد سرمدی



28-21 مه 1871: پاریس در آتش و خون، هفته ی خونین کمون پاریس، هفته ی رزم سرنوشت ساز پرولتاریای جهانی. هفته ای که کمون پاریس شکست خورد، اما راه سوسیالیسم را گشود. مشعل فروزان کمون، حکومت کارگران انقلابی پاریس، همچنان الهام بخش مبارزان راه آزادی، برابری و برادری است. اصلاحات کمون، طراوت، مدرنیته و کارآمدی خود را همچنان حفظ کرده است. کمون پاریس به ناباوری ها و بیم و امیدها پایان داد.

امروز 28 مه 2011 صد ها نفر دوستداران کمون پاریس در پای دیوار کمونارها در گورستان پرلاشز پاریس گرد هم می آیند تا یاد آخرین کمونارها را زنده نگه دارند. کمونارهایی که تا آخرین نفس به حکومت کارگری پاریس وفا دار مانده و در نبرد تن به تن و نابرابر در کوچه پس کوچه های باریک این گورستان، کشته و یا در پای دیوار کمون تیرباران شدند. روزی که در پایان آن، آدولف تی یر به استانداران سراسر فرانسه نوشت: " زمین مملو از اجساد کشته شدگان است، اما این صحنه مهیب مایه ی درس عبرت است." آری کمونارها باز می گردند، نه به صورت هزاران نفر، بلکه میلیونها.

کمون پاریس - شهرآزاد

آیا کمون پاریس آرمان شهر بود؟ هرچه بود واقعی بود. ایده آلی بود برای دنیایی بهتر وعادلانه تر. هم چون ستاره ای سرخ در آسمان تیره جنگ، گرسنگی، شکست و خفت و خواری خلقی مبارزه و رزمنده درخشید. پاریس شهر رستاخیز طبقه ی کارگر، شهر دفاع مسلحانه ی توده ای برای آزادی ، برابری و جمهوری سوسیال و جهانشمول بود. در بهار 1871 ، پاریس شهرگلباران، نمونه ی آزادی و دموکراسی توده ای یعنی حکومت مردم برای مردم و توسط مردم بود.

با کمون پاریس می توانیم سرخود را بالا بگیریم و بگوئیم آری، جهانی دیگر بدون نظم سرمایه داری ممکن است. کمون پاریس مظهر رفرفرم های سنجیده و اصلاحات اساسی، روابط اجتماعی مدرن، سازمان دهی جامعه و کار بر مبنای برابری واقعی و خودگردانی موسسات صنعتی و اقتصادی به شیوه ای انسانی و خالی از نظم، روابط و ضوابط سرمایه داری بود.

شکستن گیوتین و ممنوعیت اعدام و مجازات های غیر انسانی، شرکت فعال زنان در جامعه و برابری حقوق آنها با مردان، کم کردن ساعت کار و ممنوعیت کار شبانه برای زنان و کودکان، جدایی جدی دین از دولت، دوری از تنگ نظری های ناسیونالیستی و شوونیستی، آزادی هنری در تمام ابعاد آن، کارتیتر ونقاشی، نویسندگی و شعر، برپایی انجمن ها، کلوب ها و سندیکاها، کاندیداتوری و انتخابات آزاد و عزل منتخبان در هر زمان که لازم باشد، ووو... این همه دست آوردهای کمون است.

کمون پاریس محصول اراده ی توده های به پا خاسته و پرولترهای پاریس بود تا جمهوری ای از نوع جدید بر پا کنند. کمون پاریس بانی حقوق بشر و اومانیسیم واقعی بود و نه آن حقوق بشری که به درستی رئیس دیره از آن به عنوان "دین مدنی حقوق بشر" یاد می کند.

کمون پاریس زاده ی تیوری های ناب، قالبی، خالص و پیش گوئی های پیامبرگونه نبود. نه سوسیالیسم خرده بورژوازی و نه سوسیالیسم تخیلی بلکه واقعیتی زمینی بود که روی داد. کمون پاریس نه آرمان شهر بلکه حاصل پراکسیس طبقه کارگر در جمهوری ای اجتماعی و جهانشمول بود. حاصل پنج قرن مبارزات آزادی خواهانه از دوران عصر روشنائی تا انقلابات توده ای و پرولتری در اروپا و نیز سوسیالیسم فرانسوی با تکیه بر نظرات بابف ، سن سیمون، آگوست کنت، پرودن، بلانکی و در پایان انجمن بین المللی کارگران بود.

کمون پاریس درغلیان می جوشید و می خروشید و در پی جامعه ای نو بود که به قول کارل مارکس رنگی از پیر گفتار زمان گذشته را با خود نداشته باشد. اما حکومت ورسای در جستجوی ارواح پلید گذشته گان تاریخ و در پی جمهوری پارلمانی بود.

کمون پاریس طی " هفته خونین " 21-28 مه 1871 به خاک و خون کشیده شد. هزاران نفر در هر کوی و برزن، کمونار و غیرکمونار باهم قتل عام شدند. تر و خشک با هم سوختند. در این هفته و روزها بعد از آن هرکس دستانش سیاه بود به این معنی بود که دست به باروت زده و کمونار است ، هرکس کفش زرد رنگ ، مارک گودینو، که کفش اونیفرم گارد ملی بود، به پا داشت، فدره یعنی سرباز کمون پاریس محسوب شده و در جا اعدام می شد.

پیام سرمایه داری به کارگران نافرمان این بود: هر کس به حریم مقدس سرمایه، تجاوز کند سرنوشت شهروندان پاریسی در انتظار اوست . کمون پاریس را نابود کردند و چه بی رحمانه. بر سرش ریختند، از هر سوی ، تا در نطفه خفه اش کنند. اتوپی اش گفتند تا دست نا یافتنی جلوه کند. اسناد و مدارک همین اتوپی دست نا یافتنی را تا سالها پنهان کردند و به دست فراموشی سپردندش. اما دست آوردهای آن همچنان اعتبار خود را حفظ کرده و در هر جنبش دموکراتیک و انقلابی خود را نشان می دهد.

شهرآزاد سرمدی

پاریس 28 مه 2011